

یادداشت

شوراها و حکمرانی مردم بر مردم



سید محمود حسینی
استاندار پیشین اصفهان
و کاندیدای شورای اصفهان

● شوراهای شهر به‌عنوان نهادهای بر خاسته از متن جامعه، مسوولیت پیگیری مطالبات مردم را دارند. شوراهای شهر و روستا می‌تواند به‌عنوان اولین و ساده‌ترین روش حکمرانی مردم بر مردم قلمداد شده و به دلیل بی‌واسطه‌بودن و ارتباط تنگاتنگ با اقتضار مختلف جامعه از بازدهی قابل توجهی برخوردار باشد. بنابراین میزان موفقیت این شوراهای می‌تواند کاملاً مرتبط با پیگیری مطالبات اکثریت جامعه در نظر گرفته شود و محقق شدن خواسته‌های مردم در شهر و روستا شاخص تعیین‌کننده توفیق اعضای شورا باشد. به همین منظور شناخت وضع موجود شهر و ادراک عمیق مطالبات مردم اولین گام برای موفق شدن در این عرصه است. معمولاً در هر جامعه‌ای بسیاری از مطالبات مردم، همگانی بوده یا توسط قسمت عمده‌ای از ایشان به‌عنوان دغدغه‌های مهم و اساسی به شمار می‌رود. زیست در عصر جدید نیز چالش‌های مشترک و مورد وفاق را برای ساکنین مناطق مختلف خصوصاً شهرها ایجاد کرده است. چالش‌هایی که تقریباً سرنوشت عموم جامعه‌بدان وابسته است و به همین دلیل، مدنظر اکثریت جامعه نیز می‌باشد.

برخورداری از زیرساخت‌های ارتباط‌جمعی و فراهم‌کردن محیط‌هایی که انسان‌ها بتوانند در آن به نیاز اجتماعی بودن پاسخ دهند مطالبه‌ای است که نسل جدید و جوان کشور به جدیت خواهان آن است. حمایت از نهادهای اجتماعی که توسط مردم تاسیس شده و توسط ایشان گردانده می‌شود و مستقل از تمامی بخش‌های دولتی است، یکی از مهم‌ترین وظایف امروز متصدیان امور اجتماعی در مقیاس کشور، استان، شهر و روستاست که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود. اصولاً شوراهای شهر و روستا بدون مشارکت نهادهایی مردم موفقیت نخواهند داشت بنابراین باید سازوکارهای مشارکت مردم از طریق کمک به نهادهاسازی مثل شوراباری‌ها، نهادهای اجتماعی و مدنی را تمهید و زمینه‌سازی کنند. در کشورهای پیشرفته دنیا شهرهای تاریخی بهترین مکان‌ها برای بازدید و گذراندن اوقات به‌شمار می‌روند و در این شهرها نیز بافت تاریخی جذاب‌ترین مکان‌ها برای اقامت است درحالی‌که در بسیاری از شهرهای تاریخی کشورمان بافت تاریخی شهر با بافت فرسوده آن شناخته می‌شود. بافتی متروکه و غیرقابل سکونت که تنها محل بازدید است و نه زندگی. در بسیاری از شهرها مثل اصفهان نوسازی بافت فرسوده سرعتی برابر یک‌درصد بافت در سال دارد و این یعنی صد سال طول خواهد کشید که بافت فرسوده از سیمای شهری زدوده شود، زمانی که کل شهر بار دیگر فرسوده شده است. جلب مشارکت مردم در ساختن شهر و فعالیت‌های عمرانی یا انجام فعالیت‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و نهادهای و تشککل‌های مردمی موجب تسریع در کارها، صرفه‌جویی در قیمت تمام‌شده و سلامت کار می‌شود. آن دسته از مدیریت‌های شهری که با بلندنظری میدان را برای مشارکت مردم و بخش خصوصی باز کرده‌اند آثار درخشان آن را دیده‌اند اما مدیریت‌هایی که فضا را برای این کار فراهم نکرده‌اند و خواسته‌اند کارها بیشتر از طریق مدیریت‌های شهرداری اجرا شود، در عمل موفق نبوده‌اند. شهر منشد از شهرهایی است که در این بعد موفقیت‌های خوبی داشته اما اصفهان باوجود ظرفیت‌های خوبی که دارد در جلب مشارکت بخش خصوصی چندان موفق نبوده است.

مردم دنبال تغییر وضع موجود



حسین انصاری راد
رییس‌کمیسیون اصل نود
مجلس ششم

● در بیش از ۳۰ سال گذشته ملت ایران دوره‌های متفاوتی را از سر گذرانده و انتخابات متعددی نیز در کشور انجام شده است. در دوره دوم احمدی‌نژاد از سال ۸۸ تاکنون، نوع اداره کشور به گونه‌ای بود که در تمام عرصه‌ها با دشواری‌های بسیاری مواجه شدیم. در حالی که در دوره اصلاحات، وضعیت اقتصاد نسبتاً مطلوب بود و رشد شش تا هفت‌درصدی تجربه شد. وضعیت اشتغال نیز شرایط مساعدی داشت و جامعه در بخش فرهنگی نیز با همه تنش‌هایی که پدید می‌آمد از نوعی آرامش و اطمینان برخوردار بود. در حوزه سیاست خارجی نیز فضا مسالمت‌جوانه بود. رییس‌جمهوری دوره اصلاحات چهارم را فرهنگی، اخلاقی، مسالمت‌جو و طرفدار صلح بود و با طرح موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها در سازمان ملل و ناگفتاری یک سال به این نام، همه جهان (غرب و شرق) از این پیشنهاد استقبال کردند و به پیشنهاددهنده اظهار علاقه کردند. در دوره اصلاحات کشور می‌رفت که سختی‌های گذشته را پشت سر بگذارد اما با آمدن احمدی‌نژاد شرایط دگرگون شد. در این دوره اقتصاد نه‌تنها رشد شش تا هفت‌درصدی نداشت، بلکه رشد منفی پیدا کرد. وضع روابط بین‌الملل و نوع رابطه با کشورهای دیگر، موجب تحمیل تحریم‌های سخت به کشور شد، فشار سنگین بر همه اقشار ملت وارد شد و اخلاق و فرهنگ دچار چالش‌های جدی شد. با این انتخابات باید کسی بر سر کار بیاید که به مشکلات اقتصاد، فرهنگ، سیاست داخلی و خارجی کشور سامان بخشد.

طاهره رباحی: «شیخ دیپلمات»، عنوانی است که رسانه‌ها برای او برگزیده‌اند. خودرا شخصیتی «فرانچای» تعریف می‌کند و بزرگ‌ترین آرزویش را «اعتدال و آرامش» عنوان می‌کند. در سخنرانی‌هایش اعلام کرده با مشورت هاشمی و خاتمی یا به عرصه انتخابات گذاشته و نقدهای تندتیزی هم به عملکرد صداوسیما در قبال مناظره‌های ۸۸ و تهمت‌ها به هاشمی‌فرستجانی و علی‌اکبر ناطق نوری دارد. حسن روحانی این روزها تمام وقت خود را به فعالیت‌های انتخاباتی می‌گذراند. برای گفت‌وگو با او به یکی از سفرهای استانی همراهش شدم. اما نوع استقبال مردم و تجمعشان هم‌زمان با سخنرانی‌های پی‌درپی او با دیدارهایش، فرصتی مناسب را برای گفت‌وگو در اختیار نمی‌گذاشت. ساعت ۱۲ شب در مسیر بازگشت از ساری فرصتی بود که حسن روحانی پس از یک روز پر کار یک ساعتی را در اختیار «شرق» قرار دهد. این گفت‌وگو آطور که این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری تأکید می‌کند تنها گفت‌وگوی تفصیلی در ماه‌های منتهی به انتخابات با یک رسانه مکتوب است و انگیزه خود از انجام گفت‌وگو را علاقه به خوانندگان «شرق» می‌داند که به عقیده روحانی، «آگاه و نخبه» هستند. آنچه می‌خوانید ماحصل گفت‌وگوی «شرق» با شیخ حسن روحانی است.

—

۴ با توجه به موضع‌گیری‌های شما درخصوص فرهنگ و هنر بفرمایید خودتان چقدر دغدغه کتاب‌خواندن یا فیلم‌بین‌داری دارید؟ آیا از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنید؟
فارغ از اینکه اینترنت مورد نیازم است باید بگویم استفاده از آن جزو عاداتمندی‌های من هم هست. شاید در شرایطی که من هستم و در جایگاه رییس یک مرکز تحقیقاتی فعالیت می‌کنم ناچارم که با اینترنت در تماس باشم. اما در مورد مطالعه باید بگویم به مقالات علمی و تحقیقی بیشتر علاقه دارم تا خواندن یک رمان، به فیلم‌های تاریخی بیشتر علاقه دارم تا سایر فیلم‌ها اما به‌طور کلی به فیلم علاقه‌مندم و اصلاً یک بخش از اوقات فراغت به دیدن فیلم می‌گذرد.

۴ نام یکی از فیلم‌هایی که دوست دارید را بگویید؟
به هر حال فیلم‌های مختلف را می‌بینم هم در صداوسیما خودمان و هم گاهی از طریق سایر رسانه‌ها فیلم‌ها را می‌بینم. اساساً علاقه‌مند به سینما و تئاتر هستم ولی انظور نیست که اوقات فراغت بیشتر به دیدن فیلم بگذرد چون به خواندن کتاب بیشتر علاقه دارم و وقتی کتاب می‌خوانم بیشتر لذت می‌برم؛ البته بعضی از فیلم‌ها و سریال‌ها خیلی تأثیر گذارتر و مهم‌تر هستند. اصلاً در بخش هنر باید بگویم من هنرمند نیستم. شاعر و موسیقیدان هم نیستم اما نسبت به حالا می‌رم هنر را دوست دارم و اگر هم مسوولیت اجرایی کشور به عهده من گذاشته شود در بخش هنر از آنهایی که صاحب هنر هستند استفاده خواهم کرد یعنی افرادی را در بخش هنر مسوول می‌کنم که هنرمندها به آن ببالند و افتخار کنند. در مجموع هنر برای همه زبان تأثیر گذار و زیبایی است و برای من هم همین‌طور است.

۴ در جایی گفته بودید سال ۹۲ مثل سال ۸۸ نیست. منظور تان را روشن تر بیان می‌کنید؟
اولا بین شرایط سیاسی کشور بین ۸۸ و ۹۲ خیلی فاصله می‌بینم. کشور ما یک شرایط بسیار حساس و ویژه‌ای دارد. قبول دارم که در سال ۸۸ شرایط کشور خیلی آید نبود و مشکلاتی داشتمند اما نسبت به حالا خیلی متفاوت بود. در حال حاضر فشارها، سختی‌ها، شکاف‌های داخلی و خارجی خیلی زیاد است و کشور ما در شرایطی نیست که تحمل تنش‌های زیاد را داشته باشد، بله بعضی‌ها هنوز تحملشان خیلی کم است و یک مقدار هم احساس می‌کنند اگر شرایط کشور تغییر کند، خیلی‌ها دیگر جای پا و زمینه‌ای ندارند. این است که سعی می‌کنند فضای دیگری را ایجاد کنند، اینکه فشار بیاورند، و وقتی به یک شهر می‌روم نگذارند مراسم برگزار شود یا نه و بعضی از افراد ستاد من را مورد آزار و اذیت

قرار دهند را یک مقدار طبیعی می‌دانم. در نظر داشته باشید شرایط کشور یکمتره عوض نمی‌شود، اما اگر من مسوول اجرایی کشور شوم حتما این شرایط را عوض می‌کنم و این کار شدنی است. البته برای تغییر شرایط امنیتی کشور ریس‌جمهور به‌تنهایی نمی‌تواند همه این تصمیمات لازم را اتخاذ کند، کسی که تجربه این کار را داشته باشد می‌تواند با کمک قوای دیگر و ایجاد یک نوع هماهنگی و گاهی یک نوع اجماع شرایط را تغییر دهد. چون به هر حال کشور ما در حال حاضر در شرایطی است که اگر ما بتوانیم فضای داخلی را تبدیل به یک فضای سیاسی- فرهنگی کنیم و فضای روابطمان را هم با دنیا از فضای امنیتی خارج کنیم شرایط بهتر خواهد شد. به هر حال آمریکا و اسرائیل می‌خواهند روابط ما با دنیا امنیتی باشد. اگر بتوانیم دایره روابطمان را از فضای امنیتی خارج کنیم- که من در هر دو عرصه داخلی و خارجی این را یک ضرورت می‌بینم- حتماً به‌نفع مردم و منافع ملی ما خواهد بود.

۴ چه حس و حالی دارد وقتی می‌بینید این همه جوان یکصدا مطالباتشان را فریاد می‌زنند؟

البته این روند از چند ماه پیش شروع شده ولی روزهای اخیر به اوجش رسیده که برای من خیلی لذتبخش و زیباست و از طرفی خیلی احساس بار سنگینی بر دوش خودم می‌کنم وقتی می‌بینم که جوان عزیز با شور و هیجان یکجوری به من نگاه می‌کند که دارد به من می‌گوید می‌خواهم به تو اعتماد کنم یا به تو اعتماد کردم خیلی بار سنگینی بر دوش آدم می‌گذارد. معنی‌اش این است که باید جواب این همه فریادها، فریاد هم نباشد- جواب آن نگاه‌ها و شور و هیجان‌ها را بتوانم بدهم و اگر احساس کند که یک‌وقتی ممکن است کم بیاورد خیلی به آن جوان سخت می‌گذرد، شاید کسی باورش نشود که شور جوان‌ها همان‌طور که برایم لذتبخش است همان‌طور هم حس می‌کنم یک بار بسیار سنگینی را بر دوش من می‌گذارد. گاهی فکر می‌کنم واقعا طاقت این همه بار را دارم؟ می‌توانم به مقصد برسیم؟ کم نمی‌آورم؟ نکند یک روز خجالت‌زده همین جوان‌ها بشوم و نتوانم؟ اما نمی‌دانم چرا خیلی امیدوارم.

۴ شایعاتی وجود داشت که در آستانه ردهصلاحیت آقای هاشمی، شورای نگهبان با شما مذاکراتی داشته است. این موضوع صحت دارد؟
اصل این خبر درست است. یعنی شورای نگهبان بعد از اینکه در بررسی‌هایش به این نظر رسیده بود که به یک نحوی اعلام کند صلاحیت شهروندان از هاشمی را احراز نکرده است- از طریق دو نفر می‌خواست این خبر به آقای هاشمی منتقل شود. یکی از آن دو نفر من بودم

سیاست

حسن روحانی:

حتما شرایط کشور را عوض می‌کنم



و البته کس دیگری هم بود. وقتی با من صحبت کردند نمی‌دانستم چون در جایی حضور داشتم و برنامه‌ای داشتم. یکی از اعضای شورای نگهبان در تماس تلفنی به من گفت که شما نزدیکی ما هستید یا دورید؟ گفتم من نزدیکم گفتند می‌توانید به شورای نگهبان سر بزنید؟ فکر کردم راجع به خودم سوالی دارند و فکر کردم شاید سوالی مدنظرشان است. رفتم شورای نگهبان. بعد دیدم که راجع به آقای هاشمی با من صحبت می‌کنند. به من گفتند که شما فکر می‌کنید آقای هاشمی ممکن است این روزها انصراف دهند؟ گفتم برای چه؟ نه من خبری ندارم. کم‌کم حس کردم که آنها دنبال این هستند که اگر ایشان انصراف ندهند، ردهصلاحیت ایشان اعلام خواهد شد. به آنها گفتم که به نظرم به هیچ‌عنوان آقای هاشمی انصراف نخواهد داد. ولی شما کاری که طبق قانون فکر می‌کنید باید انجام دهید لایذ انجام می‌دهید. ولی من به آقای هاشمی خبر می‌دهم که شما چه گفتید. فردای آن روز هم من به آقای هاشمی خبر دادم و هم نفر دیگری که شورای نگهبان واسطه کرده بود. دقیقاً همانی شد که پیش‌بینی کرده بودم. آقای هاشمی گفت: «نه اهل انصراف نیستم، انصراف نمی‌دهم و احساس وظیفه کردم. اینکه شورای نگهبان تأیید یا رد بکند برای من یکسان است»

۴ ماجرای آقای حسین موسویان که به جرم جاسوسی دستگیر و بعدا تبرئه شد چه بود و چقدر به مذاکرات هسته‌ای ارتباط داشت؟
آقای موسویان را بعضی‌ها متهم کردند که در بعضی از رسانه‌ها هم مطرح شد و در دادگاه و دادسرا مورد بررسی قرار گرفت. در همان بررسی اولیه در مرحله دادسرا ایشان از جاسوسی به‌طور کامل تبرئه شد و حتی پرونده به دادگاه هم فرستاده نشد. اما مورد دیگر اتهام به دادگاه

ارجاع شد و دادگاه، ایشان را به دو سال حبس تعلیقی محکوم کرد. این پرونده به یکسری مسایل درباره دوران سفارت ایشان در آلمان مربوط می‌شد، یعنی ایشان هیچ اتهامی نسبت به دورانی که در مذاکرات هسته‌ای بودن نداشتند ولی نسبت به دورانی که در وزارت خارجه و سفیر در آلمان بود اتهامی به ایشان وارد شد و بر مبنای همان اتهام به دو سال حبس تعلیقی محکوم شدند.

۴ نوع نگاه شما به نخبگان و روشنفکران چگونه است؟

نخبگان سرمایه‌های بزرگی برای کشور ما هستند در سازندگی و توسعه کشور هم نقش پایهای و اساسی دارند. درست است که وقتی نخبگان طرحی دارند این طرح تا

مرحله اجرا برسد خیلی مراحل دارد اما همیشه تحولات اولیه از طریق نخبگان آغاز می‌شود بنابراین برای آینده کشور ما، نخبگان خیلی می‌توانند نقش داشته باشند؛ و خوشبختانه نخبه در کشور ما مددش پایین نیست. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی ما توسعه پیدا کرده است و در مجموع اگر سازوکار درستی باشد و از این‌ها بهره‌برداری و استفاده بشود واقعا نخبگان می‌توانند سهم بسیار خوبی برای تحول و توسعه آینده کشور داشته باشند.

۴ منظور تان از روشنفکری چیست؟

روشنفکری دینی یا..

۴ کلا روشنفکری، چون روشنفکری دینی یک تعریف خاص دارد که بحث مفصلی می‌خواهد.

روشنفکر کسی است که واقعیت‌های امروز جامعه ما و جهانی را تا حد زیادی می‌بیند و در اندیشه و فکر، آینده‌نگر هست تا گذشته‌نگر. یعنی روشنفکر همواره دنبال یک تحول در جامعه است اول در خودش یک تحولی ایجاد می‌کند بعد هم در پی آن هست که آن تحول را در جامعه به وجود بیاورد. کسانی که خیلی به گذشته‌فکری و اندیشه‌ای، خودشان را محدود و محصور کرده‌اند و نسبت به تحول، خیلی تحول‌خواه نیستند نمی‌توانند خودشان را روشنفکر قلمداد کنند. من فکر می‌کنم حرکت روشنفکری در جامعه ما خوشبختانه خوب است.

۴ شما آثار روشنفکران را می‌خوانید؟

به طور طبیعی چون اهل مطالعه هستم، خب خواندن آثار آنها را دوست دارم.

۴ می‌توانید بگویید آثار چه کسانی را می‌خوانید؟ (البته روشنفکران دینی‌نه)
به طور کلی من آثار مختلفی را-اعم از داخلی و خارجی نگاه می‌کنم و می‌خوانم.

۴ قسمتی در فیلم مستند شما هست که شما می‌گویید «مردم می‌پرسند لباس شخصی‌کی هست؟» واقعا لباس شخصی‌کیست و آیا برنامه‌های برای مهار کردن آنها دارید؟
حتما در فیلم درباره فضای امنیتی گفتم‌ا، اگر روزی مسوول بشوم آن فضا را تغییر می‌دهم، بخشی از آن همین است.

۴ آیا به تنهایی می‌توانید این کار را انجام دهید؟
تنهایی نمی‌شود، گفتیم که برای اینکه فضا را تغییر دهیم نیاز به دیگران داریم، نیاز به اجماع داریم ولی امیدوارم بشود، در واقع فکر می‌کنم شدنی است و

۴ آخرین دغدغه شما درباره انتخابات ۹۲ چیست؟
این بار خیلی مهم است که مردم در پای صندوق‌های رای حضور پیدا کنند آن چیزی که من خیلی دلم می‌خواهد و واقعا می‌خواهم این است که اعتدال به کشور برگردد، همه آرزویم این است. من از افراط خیلی رنج می‌برم. ما خیلی از افراط ضربه دیدیم و اگر اعتدال و میانه‌روی به کشور ما برگردد و در کنار اعتدال بتوانیم وحدت را ایجاد کنیم؛ و افزوا، انزوای نخبگان و روشنفکران و مدیران لایق نباشد، بلکه انزوا برای آنهایی باشد که دنبال افراط هستند شرایط خیلی بهتر خواهد شد.

۴ شما چه روزنامه‌هایی را می‌خوانید؟ آیا همه روزنامه‌ها را رصد می‌کنید؟
روزنامه‌های کثیرالانتشار را برایم می‌آورند و همه را نگاه می‌کنم. البته نگاه می‌کنم به معنای این است که متن‌صفحه اول را نگاه می‌کنم ولی تیتراها را که می‌بینم گاهی علاقه‌مند می‌شوم از روی تیتتر می‌روم و مطلب را می‌خوانم. ضمن اینکه دفترم همواره یک بولتن کوچکی را در حد دو صفحه ۸۴ که معمولاً شامل تیتراها و نکاتی یادداشت‌شده است تهیه می‌کند و من آنها را می‌خوانم.

۴ چقدر حقوق می‌گیرید؟

سستم، سمت استادی است. از لحاظ رتبه علمی

در ماه‌های اخیر استاد شدم، قبلا دانشیار بودم. بنابراین حقوقم مثل همه استادهای دانشگاه است.

رای در پیچ تاریخی

در ایران منتهی به از دست دادن جایگاه دیپلماتیک کشور در سطوح بین‌المللی شده است. ایران که روزی در کشورهای منطقه قطب تأثیرگذاری بود و در حل و فصل نزاعات مورد توجه بود، حالا باید در برخی منازعات سیاسی به میانجیگری کشوری چون قطر مل‌خوش کند. اعتماد عمومی در طول هزاران سال شکل می‌گیرد و طرف‌دار یعنی از بین می‌رود، به همین دلیل مسیح‌های قدرت همیشه برای حفظ مشروعیت سیاسی خود تلاش کرده‌اند تا سازگاری با آرای مخالف و متغیر بتوانند نسبت به جلب آرای عمومی در کشور اقدام کنند.

امروز ما در موقعیت جهانی حساسی قرار داریم و از یک طرف تحریم که روزی زورق‌پارهای بیش نبود، تهدیدی برای جامعه و معیشت مردم به وجود آورده است. از سوی دیگر ایران مانند جزیره‌ای است که در اطرافش حلقه‌های آتش از هر سو سا را احاطه کرده، افغانستان، عراق و تهدید کشورهای عربی را نیز باید به این دغدغه‌ها اضافه کرد.

بنابراین باید جمعه رای داد. ضرورت رای دادن به‌خاطر سطح تعیین‌کنندگی آن در یکی از پیچ‌های دشوار تاریخ سیاسی کشور است.

البته سیاست اصولگرایی به معنای این نبوده که اصلاحات همواره پدیده‌های بدون ابراد است. اما امیدواریم که مبتنی بر تجربه‌های پیشین و با ضرب و خطایی پایین‌تر، اصلاح‌طلبان بتوانند در این روزها مسیر پرخطر ره پیش‌رو را مدیریت کنند.

نگاه

برگه رای و ماهی قرمز



سعید رضوی فقیه

● طی سال‌های گذشته و در آستانه هر انتخابات، شماری از فعالان سیاسی یا ناظران و صاحب‌نظران و تحلیلگران مسایل سیاسی با اشاره به نکته سرتاپادرت بهادر بودن برگ رای نتیجه‌ای متأسفانه سرتاپادرت را اخذ کرده و به مخاطبان خود عرضه می‌دارند مبنی بر اینکه در انتخابات نباید شرکت کرد و این برگه رای بهادر را نباید به‌سوء خرج کرده و در پای هر نامزد از هر جریان و جناح ریخت. مع‌الاف به جهت اشتنازدگی‌های ذهنی که مایع از تامل و تحلیل دقیق است و پای استدلال را سخت لنگ می‌کند، درستی مقدمات و نادرستی نتایج مثل شیر و شکر چنان در هم می‌آمیزد که جدا کردن و تمیز دادن آنها از یکدیگر اگر نه یک‌سره محال دست‌کم بسیار بعید و دشوار می‌شود. اینک تنها چند روز مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری بد نیست در باب درستی و نادرستی گزاره‌های تشکیل‌دهنده چنین گفت‌وایی نیز اعتبار یا بی‌اعتباری نظام استدلالی و استنتاجی آن کمی تامل شود. با این توضیح که مقصود اصلی از این نوشتار نه حمایت از یک نامزد خاص و تبلیغ برای اوست و نه اساساً ترغیب و تشویق به رای‌دادن یا رای ندادن بلکه تنها و تنها قصد آن است که منطق و قواعد آن را به هنگام اندیشیدن خاموش و آرام در درون سا به صدای بلند در حضور دیگران پلس داریم. همین و بس و البته دآوری در صدق این مدعا و صداقت مدعی در پایان نوشتار میسر خواهد بود. در اینکه برگ رای از جمله اوراق بهادر سیاسی است و ارزشی مشخص دارد تردید نیست. در یک وضعیت انتزاعی و فرضی هم می‌توان دریافت که حتی یک برگ رای در هر انتخابات بر سر هرچه که باشد واحدی ارزشی مشخص است. مثلاً یک نامزد انتخابات مجلس یا ریاست‌جمهوری برای پیروزی در رقابت و تصدی مقام موردنظر به حدصلی مشخص از آرا نیاز دارد که البته این حدنباض از جمع جبری تکبیه‌تک برگه‌های رای واجدان شرایط رای‌دادن حاصل می‌شود. دقیقاً به جهت ارزش برگه‌های رای است که سرمایه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و حتی که عاطفی برای خرید آرا در بازار انتخابات به گردش درمی‌آید. حتی در سالم‌ترین و پیشرفته‌ترین نظام‌های سیاسی جلب یک رای مستلزم پرداخت بهایی مشخص است. آیا وقتی یک حزب به قصد تشکیل دولت تلافی برای جلب آرای نمایندگان حزبی دیگر چند کرسی وزارتتی را واگذر می‌کند بهای آرای نمایندگان آن حزب را نمی‌پردازد؟ پس می‌توان گفت بهادر بودن برگه‌های رای امری مسلم است و مفروض. اما نکته اینجاست که بهای هر برگ بهادری در شرایط مختلف دچار نوسان می‌شود و حتی ممکن است برگه از درجه ارزش بالکل ساقط شود یا آنکه از یک حیث فاقد ارزش ولی از جهت دیگر واجد ارزشی بسیار باشد. برای روشن‌تر شدن مطلب به مثال‌هایی در حوزه امور مالی اشاره می‌شود. ارزش یک قطعه اسکناس در اثر تورم کاهش می‌یابد و مثلاً اگر تا چند سال امروزه با همین اسکناس تنها می‌توان دو مداد خریداری کرد. از سوی دیگر سال‌هست که با اسکناس‌های باطل عهد قاجار نمی‌توان به خرید اجناس مباردت کرد اما همین اسکناس‌ها به قیمتی قابل توجه و به‌عنوان اشیای عتیقه میان مجموعه‌داران خریدوفروش می‌شود. از سوی دیگر اگر یک حواله یا برگه بهادر دیگری تا موعده مشخصی واجد ارزش باشد اگر تا همان موعده مورد استفاده قرار نگیرد از درجه اعتبار ساقط و کاملاً بی‌ارزش خواهد بود. نگه‌داشتن برگ رای بدون هیچ برنامه و هماهنگی و تاکتیک یا استراتژی مشخص و در ذورافتدگی مطلق از جامعه و تحولات آن مثل بی‌اعتبار شدن یک حواله یا چک یا یک قطعه اسکناس پس از انقضای مهلتی مقرر است و پس از آن مهلت مقرر دیگر این برگه‌ها را یا باید پاره کرد و دور انداخت یا برای عبرت و حسرت جانی کنار دیگر کاذب‌های بی‌اعتبار نگهداری کرد. برگه‌های رای ما در شرایط کنونی جامعه ایران درست مانند ماهی‌های قرمز سفید هفت‌سین است که هرچه به‌د نوروز و لحظه تحول سال نزدیک می‌شویم قیمتشان افزایش می‌یابد و بازارشان داغ می‌شود اما پس از تحول سال این تب فروکش می‌کند و دیگر کسی ماهی قرمز برای سفره هفت‌سین نمی‌خرد و خوشبختانه ماهی‌های سرخ کوچولو در روزخانه‌های جاری آزاد می‌شوند.

خبر

جزئیات تحقیق و تفحص از بنیادشدید

● **شرق:** تحقیق و تفحص از بنیادشدید بالاخره نهایی شد. آطور که رییس کمیسیون شوراهدیوز در صحن علنی مجلس خبر داده در گزارنه عملکردی بنیادشدهید ۱۵ میلیارد تومان اختلاس و حیفومیل ۱۷۰۰ میلیاردتومانی دارایی‌های بانک دی کشف شده است. علاوه بر این خروج برخی از منیع مالی از طریق صرفای‌ها به امارات و دویو برای نمایندگان، محرز شده و فروش بی دلیل برخی املاک نظیر ساختمان کوثر در منطقه نظر تهران نیز علامت سوال بزرگی را پیش‌روی تیم تحقیق و تفحص از بنیادشدهید قرار داده است. سومندیرت، افعال‌کاری در درمان ابتلارگان و جابازان و انتصاب افراد غیرصلاحیت‌دار را از مهم‌ترین محوره‌های تحقیق و تفحص از بنیادشدهید است. عدش‌شفافیت مالی و وجود شایبه‌های مختلف در بخش‌های اقتصادی بنیاد و حیفومیل بیش از ۱۷۰۰ میلیارد از دارایی‌های بانک دی در صرفای‌ها از جمله دیگر مواردی است که تحقیق و تفحص از بنیادشدهید را جدی‌تر در دستور کار مجلس قرار می‌دهند. امیر خجسته طراح تحقیق و تفحص از بنیاد شهید در همین زمینه در صحن علنی مجلس گفته: «این رقم از طرف صرافی‌هایی خاص به کشور امارات و شهر دبی انتقال داده شده که در این رابطه تعدادی از افراد دستگیر شده‌اند و هدای دیگر به خارج از کشور قرار کرده‌اند»